بار الها! گناهان گذشته و آینده، پنهان و آشکار، تجاوزهای مرا و آنچه را که تو بهتر از من می دانی، مغفرت کن؛ چرا که تقدیم و تأخیر بدست توست و هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد.

از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که می گوید: هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز برمی خاست، چنین می فرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ لاَ يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ: «من چهره ام را به سوی ذاتی متوجه کرده ام که آسمان ها و زمین را آفرید؛ درحالی که من از باطل روی گردان شده و به سوی حق آمده ام و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی و مرگم از آنِ پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. دستور یافته ام که چنین کنم و من از فرمانبرداران می باشم. پروردگارا! تویی پادشاه، بجز تو، معبودی [بحق] وجود ندارد. تو پروردگار من هستی و من بنده ی تو هستم. بر خود ظلم کردم و به گناهم اعتراف نمودم؛ همه ی گناهانم را ببخشای، همانا بجز تو کسی گناهانم را نمی آمرزد. الهی! مرا به نیکوترین اخلاق و خصلت ها، رهنمون فرما، همانا بجز تو کسی نیست که مرا بسوی آنها هدایت کند. الهی! خصلت های بد را از من دور گردان؛ زیرا بجز تو کسی نیست که آنها را از من دور گرداند. من در بارگاهت حاضرم و برای اطاعت از تو آماده ام. هرگونه خیر و نیکی در اختیار توست؛ بدی را به سوی تو راهی نیست. الهی! من به لطف تو موجودم و به سوی تو متوجه ام؛ تو بسیار با برکت و برتر هستی؛ از تو آمرزش می خواهم و در بارگاه تو توبه می کنم». و هنگامی که رکوع می نمود می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي، وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِي»: «بار الها! برای تو رکوع نمودم، به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. و گوش، چشم، مخ، استخوان، پی و رگم برای تو خشوع و فروتنی نمودند». و هنگامی که سرش را از رکوع بلند می نمود، می فرمود: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلْءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلْءَ الأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ»: «الهی! ای پروردگار ما! حمد و ستایش از آنِ تو است؛ ستایشی که آسمان ها و زمین و میان آنها و هرچه را که تو بخواهی، پر کند». و هنگامی که سجده می نمود، می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»: «الهی! برای تو سجده کردم، به تو ایمان آوردم و در برابر فرمان تو تسلیم شدم؛ چهره ام برای ذاتی که آن را آفرید و صورت بخشید و عضو شنوایی و بینایی در آن قرار داد، سجده نمود؛ با برکت است الهی که بهترین آفریدگار است». و یکی از آخرین دعاهایش میان تشهد وسلام این بود که می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»: «بار الها! گناهان گذشته و آینده، پنهان و آشکار، تجاوزهای مرا و آنچه را که تو بهتر از من می دانی، مغفرت کن؛ چرا که تقدیم و تأخیر بدست توست و هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز برمی خواست می فرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ»؛ یعنی: عبادتم را خالص برای الله گردانیدم که آسمان ها و زمین را بدون نمونه و مثال قبلی آفریده است و از غیر او روی گرداندم. زیرا کسی که چنین مخلوقاتی را با این همه ابداع و در نهایت دقت و درستی آفریده، شایسته است که روی ها متوجه او باشند و قلب ها در سایر احوال خویش بر او تکیه نمایند و به کسی دیگر رو نکنند

و جز استمرار رضایت و خیر و نیکی او چیزی نخواهند. «حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ از تمام ادیان باطل و ساختگی به دین حق، یعنی دین اسلام گراییدم و بر آن ثابت و استوار هستم. که در نزد عرب غالبا شامل کسانی است که بر ملت ابراهیم علیه السلام هستند. «إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ یعنی: نماز و عبادت من همگی برای الله متعال است؛ هیچکس را در آن با او شریک نمی گردانم؛ همچنین زندگی و مرگ من در دست الله است و اوست خالق مرگ و زندگی و اندازه ی آن بدست اوست و غیر او هیچکس در مرگ و زندگی تصرفی ندارد. الله در ذات و صفات و افعال خویش بی همتاست و شریکی ندارد. و الله مرا به این توحید و اخلاص فرمان داده است و من از مسلمانان مطیع و فرمانبردار الله هستم. «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ»؛ یعنی: یا الله تو پادشاه هستی و هیچ پادشاهی غیر از تو وجود ندارد و در حقیقت هیچ فرمانروایی از آنِ غیر تو نیست و تو در اله بودن تنها هستی و هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد؛ تو پروردگار منی و من بنده تو؛ من با غفلت از ذکر و یاد تو و انجام گناهان بر خود ستم کردم و اکنون به گناهان خویش اعتراف می کنم پس گناهانم را ببخش، زیرا کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد و تو بسیار آمرزنده هستی. «وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الأَخْلاَقِ لاَ يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلاَّ أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لاَ يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلاَّ أَنْتَ»؛ یعنی: مرا به نیکوترین اخلاق و اعمال در عبادت خویش و نیز اخلاق نیکو و زیبا در ظاهر و باطن، راهنمایی کن، موفق گردان و بر آن ثابت و استوار بدار. زیرا تو کسی هستی که ما را به اینگونه اخلاق و رفتار هدایت می کنی و هیچ هدایتگری غیر از تو وجود ندارد. و مرا از اخلاق بد دور نگه داشته و حفظ کن که کسی جز تو مرا از آن دور نگه نداشته و محفوظ نمی دارد. «لَبَّيْكَ وسَعْدَيْكَ»؛ یعنی: پیوسته و همیشه بر طاعت و بندگی تو استمرار خواهم داشت و با بندگی تو و اجابت دعوت تو پیوسته و همیشه سعادتمند خواهم بود. «وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ»؛ یعنی همه ی خیر و خوبی ها در تصرف توست؛ تو مالکی هستی که هرگونه بخواهی در ملکت تصرف می کنی. «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ»؛ یعنی: در فعل تو شر و بدی وجود ندارد، بلکه شر در مفعولات و مخلوقاتت می باشد. پس به هیچ وجه نمی توان شر و بدی را به الله متعال منتسب نمود، نه در ذات، نه صفات، نه افعال و نه نامهایش. زیرا ذات الله از همه جهت کمال مطلق است و تمام صفاتش صفات کمال است و الله بخاطر آنها حمد و ستایش و ثنا می شود. و تمام افعال او خیر، رحمت، عدالت و حکمت است و به هیچ وجه هیچ شری در آنها نیست. و تمام نامهای او نیکوست، پس چطور می توان شر را به او نسبت داد؟ بلکه شر در مخلوقات و مفعولات اوست که او از آنها جداست، زیرا فعل او غیر از مفعولش می باشد؛ فعل و کار او سراسر خیر و خوبی است، اما مخلوقِ مفعول، در بر دارنده شر و خوبی با هم است؛ پس چون شر، مخلوق و جداست و الله متعال بدان متصف نیست، نباید آن را به الله نسبت داد. البته این مطلب دلیل و برهانی برای معتزلی ها نیست که می گویند الله شر را نیافریده است، زیرا الله متعال هم خالق شر و هم خیر و خالق همه چیز است. «أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ»؛ یعنی: به تو پناه آورده، تکیه نموده و به لطف تو موجودم و بسوی تو متوجه ام و به تو پناه می آورم و بسوی تو باز می گردم. یا به تو ایمان آوردم و پایان کارم به تو منتهی می شود، زیرا تو آغاز، ابتدا و پایانی. و گفته شده یعنی: از تو یاری می جویم و متوجه تو هستم. «تباركتَ وتعاليتَ»؛ یعنی: مجید و بزرگی و خیر و خوبیهایت بسیار زیاد است و از وهم و گمان بالاتری و عقل ها نمی توانند تو را تصور نمایند. و از هر نقص و عیبی مبرا هستی. «أستغفرك وأتوب إليك»؛ یعنی: از تو می خواهم گناهان گذشته ی مرا ببخشی و من از آن گناهان دست کشیده و در ادامه با توفیق تو تا زمان مرگ متوجه تو خواهم بود. و چون رکوع می کرد، می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي، وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِي»؛ یعنی: بار الها! رکوع من خالص برای توست و به تو ایمان آوردم و مطیع و فرمانبردار تو شدم و تمام اعضای بدنم، از گوش و چشم و مغز و استخوان و عصبم همه فرمانبردار تو هستند. و چون سرش را از رکوع بلند می کرد، می فرمود: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلْءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلْءَ الأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ»؛ یعنی: تو را به آن میزان حمد و ستایش می گویم که اگر جسم می بودند، آسمان ها و زمین و آنچه را که تو بخواهی بعد از آسمان ها و زمین، پر می کردند. و وقتی سجده می کرد، چنین می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»؛ یعنی: سجده ی من خالصانه برای توست؛ به تو ایمان آورده و مطیع و فرمانبردار تو شدم و تمام اعضای بدنم که تو آفریده ای، مطیع و فرمانبردار تو می باشد. با برکت است الهی که بهترین آفریدگار است. و یکی از آخرین دعاهایش میان تشهد و سلام این بود که می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»؛ یعنی پروردگارا! گناهان گذشته و آینده مرا بیامرز. آنچه ظاهر و آشکار و نیز آنچه مخفی و پوشیده است، یا آنچه در درونم است و آنچه بر زبان می آورم ببخشای. تجاوز از حد مرا در ارتکاب گناه ببخش. و گناهانی را که من نمی دانم، بیامرز. هرکس را بخواهی به عبادت خویش و غیر آن توفیق داده و مقدم می داری و هرکس را

بخواهی از آن محروم می نمایی. و این به مقتضای حکمت توست و هرکس را بخواهی عزت داده و هرکه را بخواهی خوار و ذلیل می کنی. هیچ معبود بر حقی جز تو نیست.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8280